

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و ششم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 19 اسفند 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که دو نشست اخیر اختصاص پیدا کرد به اخبار آحادی که مبین حکم فقهی نیست بلکه یک مساله اعتقادی یا اخلاقی را بیان می کند؛ دیروز نظریه عدم اعتبار مطلقاً مطرح شد و کلامی از مرحوم علامه طباطبایی و کلامی به نقل از شیخ مفید و در نهایت کلامی از اصولیین متاخر(البته فقط آدرس برای مراجعه داده شد) بیان شد. امروز نظریه تفصیل و نظریه اعتبار مطلقاً را بیان می کنیم؛ البته شاید از جهت فنی مناسب باشد که نظریه تفصیل را بگوییم اما چون نظریه اعتبار مطلقاً فشرده است اول به آن می پردازیم.

نظریه اعتبار

نمی دانم شما انسداد استصحاب را خوانده اید یا نه؟ در آن جا یک بحث فاخری مطرح شده است که آیا در اعتقادات ظن کافی است یا نه؟ مثلاً کسی به قیامت یا ذات مقدس الهی گمان دارد؛ در فضای که برای او یقین حاصل نمی شود آیا گمان کافی است؟ آیا این شخص در زمره مسلمانان و موحدان قرار می گیرد یا نه؟

در قرآن، واژه ایمان بسیار به کار رفته است چنانکه واژه یقین نیز زیاد به کار رفته است اما در کنار اینها واژه ظن هم به کار رفته است؛ گاهی برخی ها می خواهند از این آیات برداشت های بکنند.

استاد: شما اگر لغت را ببینید متوجه می شوید که ظن دو معنا دارد. 1: یقین 2: حدس اگر بدبینی به لغت داشته باشید و بگویید اینها اجتهادات لغویین است در این صورت قول لغوی زمین می خورد. ولی مرحوم شیخ انصاری در انسداد رسائل، از طیفی از علما نقل می کند که با گمان هم انسان در زمره مسلمانان قرار می گیرد.

نکته: اینکه در روایات داریم در ذات الله و صفات خداوند فکر نکنید بلکه در آثار او فکر بکنید به خاطر این است که مرحوم صدرا می فرماید: عالم در حد معلوم را درک می کند و اگر معلوم فوق عالم بود عالم ناتوان می ماند به همین خاطر ذات مقدس الهی چون فوق کل شی است هیچ عقلی او را درک نمی کند لذا در دعا داریم یا من لا یعرف کنهه بوجه و... ولذا چون عقل نمی تواند به مفهوم ما فوق راه پیدا بکند از این روی درمانده می شود.

اگر کسی به گمان رسید طیفی از علامه مثل علامه حلی، محقق ثانی، مجلسی و... می گویند ظن برای ایمان کافی است. استاد: من میخوام از این قسمت رسائل، این استفاده را بکنم که اگر کسی این مبنا را قبول داشته باشد می تواند قائل بشود که اخبار واحد مفید گمان و لو مفادش یک امر اعتقادی باشد حجت است.

اگر خبر ثقه آمد و گفت مات امام قبلی و فلان شخص جای امام قبلی نشست و شیعیان هم قبول کردند و... این خبر اگرچه که یک خبر واحد است و بیانگر یک امر اعتقادی است و ظن آور بوده ولی با این اوصاف باز حجت است.

استاد: اگر ما این گروه را در نظر بگیریم قاعدهً این گروه باید خبر واحد را در امور اعتقادی حجت بدانند مگر اینکه کلامی که دیروز گفتیم که خبر باید اثر عملی داشته باشد و... را معتقد باشند. ولی اگر ما به آن اشکال پاسخ دهیم مطلب حل می شود. البته باید اشکال شیخ مفید را هم که می فرمود اخبار آحاد معرفت زا نیست و در امور اعتقادی، معرفت لازم است. پاسخ از کلام شیخ مفید: وقتی ما بگوییم ظن کفایت می کند و خبر واحد ظن ایجاد می کند می توانیم بگوییم خبر واحد ظن آور در اعتقادات حجت است. بله اگر خبر واحدی باشد که ظن آور هم نباشد در این صورت حجت نمی باشد.

استاد: دوستان طبق این نظر، اگر ما برسیم که گمان کافی است راه باز می شود برای حجت خبر واحد در اعتقادات ...

نظریه تفصیل

این نظریه مهم است و امروزه طرفدار دارد و در واقع تفصیل در تفصیل است و حکایت از دقت طرفداران این نظر دارد. استاد: آقای خویی در این زمینه از سایرین بهتر بیان کرده اند گرچه می توانستیم از مرحوم شیخ انصاری نقل کنیم؛ مرحوم آقای خویی به عنوان یکی از کسانی که اندیشه تفصیل را دارد تفصیلی بین اصول اعتقادات و فروع اعتقادات می دهد؛ ایشان می فرماید در اخبار مبین اعتقادات، این اخبار واحد در بخش اصول اعتقادات (توحید، نبوت، معاد، امامت) به درد نمی خورد چرا که خبر واحد، فقط مفید ظن است بلکه نهایتاً وثوق ایجاد می کند و این در حالی است که در اصول اعتقادات ظن و وثوق کفایت نمی کند بلکه ایمان لازم است. و اما در غیر اصول اعتقادات مثل تفصیل برزخ، تفصیل معاد، معراج، رجعت، جزئیات صفات خداوند مثل نحوه علم الهی یا نحوه غضب الهی و...

در این موارد اگر ما یک ظن خاصی داشتیم_ مثل اینکه خبر واحدی آمد در مورد علم خدا خبر دارد مثلاً فرمود خداوند عالم قبل آن یکنون شیء... یا مثلاً خبری آمد و در مورد علم امام علیه السلام خبر داد_ حجت است و ما می توانیم ترتیب اثر بدهیم اولین اثرش این است که می توانیم معتقد شویم یعنی عقد القلب پیدا می کنیم دومین اثرش این است که می توانیم برای مردم نقل کنیم و نیاز نیست بگوییم علی ما نقله الكلینی و... یک نکته دیگری که ایشان دارد این است که می فرماید: وقتی امارات معتبر شدند فرقی ندارد مبنای ما در امارات تتمیم کشف (نائینی و مدرسه ایشان) باشد یا جعل منجزیت و معذرت (مرحوم آخوند) باشد بالاخره در اینجا یک علمی وجود دارد (بر مبنای تتمیم کشف) و یک منجز و معذر داری (بر اساس مبنای مرحوم آخوند) و لذا می توانی به راحتی نسبت دهی.

اما اخبار مبین امور تکوینی و تاریخی_ مثلاً قصه فلان پیغمبر یا مثلاً آسمان چگونه به وجود آمد و... باقی مانده است. در این سنخ مسائل اگر خبر واحدی بیاید و این ها را مطرح کند اگر مبنای ما (تتمیم کشف) را داشته باشید به راحتی می توانید به شارع نسبت دهید (البته فقط دقت کنید روایت سند داشته باشد و مخالف علم و تجربه روز نباشد) در اخبار تاریخی و تکوینی نهایت چیزی که شما بخواهید علم است و بر مبنای تتمیم، خبر واحد به حکم علم است و لذا کفایت می کند ولی اگر مبنای ما جعل منجزیت و معذرت باشد (البته صحیح این است بگوییم عذر نه معذرت) فایده ندارد مثلاً خبر بگوید فلان پیامبر در فلان روستا تبلیغ می کرده و... معنا ندارد منجزیت و معذرت را مطرح کنیم.

والحمد لله رب العالمین